

ایران

امام علی(ع):

دو چیز است که پاداش آنها وزن نمی‌شود: گذشت و دادگری.


سخن‌روز

غرالحکم: ح ۵۷۶۹

نگاره


فضای مجازی

نوشته‌ای درباره جنایات رژیم کودک‌کش

بشیربی‌آزار، نویسنده و خبرنگاری که چندی قبل به دلیل حمایت از مردم غزه، در فرانسه زندانی شده بود با انتشار تصویری که گویای جنایات رژیم صهیونیستی و بی‌رحمی آنان در مواجهه با کودکان است، نوشته: «بعد از گذشت ۳۹۲ روز از آغاز دور جدید نسل‌کشی و ارتکاب غیرانسانی‌ترین جنایت‌ها و ظلم‌ها و وحشی‌گری‌های غیرقابل تصور توسط رژیم پچه‌کش، غربت و تنهایی و مظلومیت کودک کشته‌شده در این صحنه تاریخی، همچنان، یکی از دردناک‌ترین تصاویر ثبت شده از یک سال جنایات وحوش اسرائیلی است! و آه این کودکان، دودمان تک‌تک حرامیان را به آتش خواهد کشید بدون شک، و خیلی زود!» در تصویری که بشیربی‌آزار منتشر کرده، کودکی نه‌پایه یک ساله، با وضعیتی ناپسامان در گوشه‌ای، کنار دیگر کودکان و نوجوانان زخمی افتاده است! اهالی فرهنگ و هنر در حالی به وقایع یک سال اخیر غزه واکنش نشان می‌دهند که دولت‌های غربی و آمریکایی در مواجهه با جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه و کشتار کودکان سکوت در پیش گرفته‌اند.

درخواست کمک برای حفظ یک کتابخانه روستایی

عبدالحکیم بهار، مروج سرشناس کتابخوانی که از سال‌ها قبل برای تشویق کودکان و نوجوانان به مطالعه در روستاها و مناطق کم‌برخوردار بلوچستان در تلاش است، تازه‌ترین پست خود را به یکی از فعالیت‌های مردمی در زمینه کتابخوانی اختصاص داده و نوشته: «جمعه یازدهم آبان نوبت برگزاری جلسه دیگری از سری جلسات شبکه مروجین کتابخوانی منطقه چابهار دشتیاری و کنارک از راه رسید. دوستان از دوسه روز جلوتر اعلام آمادگی کردند تا این جلسه برگزار شود. این بار راهی شهرستان کنارک شدیم تا جلسه خود را در روستای «سورکمب» برگزار کنیم. روستایی که عجیب شیخ‌زاده، برای راه‌اندازی کتابخانه‌اش زحمت‌های زیادی کشیده است تا کودکان و نوجوانان در کنار بزرگ‌ترها، لحظه‌های خوبی را تجربه کنند.» در بخش دیگری از این نوشته آمده: «کتابخانه کوچک روستا که محل تجمع بچه‌هاست در یک اتاق قدیمی کار خود را پیش می‌برد؛ اتاقی که قسمت‌هایی از آن آسیب دیده و نیاز به بازسازی و مرمت دارد. اولین اقدام کارگروه کتابخانه‌های جنوب بلوچستان به نظرم باید رسیدگی به وضعیت ساختمانی این کتابخانه باشد تا خدای ناکرده کتاب‌ها و منابع این مجموعه آسیب نبینند و بچه‌ها بی‌کتاب نشوند.»

یادی از سلمان هراتی

کامران شرفشاهی، شاعر و منتقد ادبی در پست تازه خود یادی از زنده‌یاد سلمان هراتی، از شاعران معاصر و انقلاب کشورمان کرده است؛ او نوشته: «یکی از روزهای عم‌انگیز در تاریخ ادبیات معاصر ایران، بی‌تردید روز نهم آبان ماه سال ۱۳۶۵ است که یادآور غروب چهره‌ای شد که از امیدهای آینده شعر فارسی به شمار می‌آمد. سلمان هراتی، سراینده کتاب‌های «از آسمان سبز»، «دری به خانه خورشید» و «از این ستاره تا آن ستاره» در چنین روزی به دنبال سانه‌های تلخ، راهی سفری ابدی شد و دوستدارانش را در حسرتی همیشگی باقی گذاشت.» او به همین بهانه فیلم کوتاهی از یک گفت‌وگوی ادبی خودش با علیرضا بهرامی، شاعر و از چهره‌های شناخته شده عرصه رسانه منتشر کرده که در همین رابطه صحبت می‌کنند. البته این گفت‌وگو تازه انجام نشده و متعلق به چند سال قبل است. سلمان هراتی، متولد یکم فروردین ماه سال ۱۳۳۸، بیشتر اشعار هراتی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم به بازگویی اعتقادات و برداشت‌های اجتماعی و سیاسی او می‌پردازد.

رقابت روزافزون میان غول‌های دنیای فناوری

کمیل خجسته، فعال رسانه‌ای تازه‌تایه‌ترین پست خود در فضای مجازی را به درج نکاتی درباره رقابت‌های روزافزون غول‌های دنیای فناوری اختصاص داده است و با اشاره به انتشار یک خبر درباره قابلیت تازه هوش مصنوعی نوشته: «آن دورانی که رقابت فشرده‌ای بین یاهو و گوگل برقرار بود دیگر گذشت. مستنجر، ایمیل و موتور جست‌وجو مهم‌ترین مؤلفه‌های این رقابت بود. حالا صحنه فناوری، با بازساخت جدید در حال تغییر است. جی. پی. یو و هوش مصنوعی در حال رونمایی از محصولات جدید، خدمات جدید و غول‌های جدید در این حوزه هستند.» خجسته این مطلب را به بهانه معرفی قابلیت جدید ChatGPT منتشر کرده است؛ قابلیت تازه هوش مصنوعی را برخی به عنوان رقیب تازه‌نفس گوگل در دنیای جست‌وجوی وب عنوان کرده‌اند؛ حالا باید دید که شرکت گوگل برای آنکه از قافله عقب‌نمانده و میدان را به این رقیب تازه نسپارد چه می‌کند!

- تلفن**: ۸۸۷۶۱۷۲۰
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پيامک**: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳
روابط عمومی • **نشانی**: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی**: ۱۵۳۸۸-۵۳۳۸ • **امور مشترکین**: ۸۸۷۴۸۸۰۰
- توزیع**: نشر گستر امروز • **چاپ**: چاپخانه‌های همشهری
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران**: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها**: ۱۸۷۷۰ (۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران**: ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

- صاحب امتیاز**:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

- مدیر عامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران**:
- احسان صالحی

نقل قول

چرا بچه‌ها با زبان فارسی غریبه‌اند؟

بارها گفته‌ام که هر کدام از مدرسه‌ها فضایی برای تولید و اجرای تئاتر دارند. چند ده میلیون مخاطب در مدرسه‌ها وجود دارد اما برای این مخاطبان تئاتر تولید و اجرا نمی‌شود. متأسفانه هیچ‌وقت وزارت آموزش و پرورش به تئاتر نگاه جدی و تخصصی نداشته و به همین دلیل انشاق قابل توجهی در زمینه تئاتر در مدارس رخ نداده است؛ آن وقت گلایه می‌کنیم که چرا زبان کودکان و نوجوانان ما تغییر کرده است و زبان فارسی، ادبیات فارسی و شعرای فارسی ما را نمی‌شناسند. ایران، کشور هنر و ادبیات و شعر است ولی صد حیف که بچه کودکان و نوجوانان ما بها داده نمی‌شود تا فرهنگ‌سازی لازم برای آنها انجام شود. ما در مملکت بودجه بسیار داریم ولی به انصاف صرف و هزینه نمی‌شود. بیشتر کشورهای متمدن و پیشرفته، تئاتر کودک و نوجوان بسیار سطح بالایی دارند.



از صحبت‌های رضا پایک با مهر

تجسم

«شیوه شخصی» هنرمند مترادف «سبک هنری» نیست

با صحبت از «سبک»، اصطلاحات بزرگ و پیچیده‌ای مثل کلاسیسم، رئالیسم، سوررئالیسم و مانند آنها به ذهن متبادر می‌شود. اما مدتی است با یک سوءاستفاده ظریف در ترجمه اصطلاحات هنری، عده‌ای خود را مدعی سبک هنری معرفی می‌کنند. عنوان «صاحب سبک» به قصد تفاخر و به جای «شیوه شخصی»، بین بعضی از هنرمندان ایرانی رواج پیدا کرده و تعداد زیادی به‌طور خودخوانده مدعی چنین عنوانی شده‌اند. بعضی پا را فراتر گذاشته

و از اسامی منتهی به پسوند «ایسم» برای توصیف خود و آثارشان استفاده می‌کنند. گاهی این ترکیب را به شکل مضحکی با اضافه کردن ایسم به انتهای نام یا اسم هنری خود می‌سازند. (خصوصاً اگر توضیحی سطحی به جای مانیفست هم ارائه کرده باشند.) در واقع از این صفت «صاحب سبک» بودن برداشت ساده انگارانه یا بهتر است بگوییم «ساده لوحانه»ای دارند.

شاید این توهم از خلط در واژه‌های ترجمه شده‌ای است که برای اصطلاحات هنری به کار می‌رود. مثلاً کلماتی مثل «شیوه»، سبک به معنی ترجمه **Style**، «امضای شخصی»، «تکنیک»، «تکنیک شخصی»، «مکتب» و… ممکن است برای بعضی از هنرمندان تازه کار، علاقه‌مندان آماتور یا مخاطب عام تداعی مفهومی نزدیک به سبک هنری بوده و تصاحب عنوان «صاحب سبک» را توجیه کند. بنابراین کسانی که آثاری خلق می‌کنند که به هر شکل و ترتیبی برای مخاطب قابل شناسایی است و به عبارتی پلافاصله بعد از دیدن اثر، صاحب اثر شناخته می‌شود، تصور می‌کنند یا همین ابتکارات، منشأ ابداع یک سبک هنری مشخص شده‌اند. اما هر هنرمندی، حتی هنرمندان تازه‌کار می‌توانند با ترفندهای ساده‌ای، حائز چنین جایگاهی باشند. انتخاب موضوعات خاص یکی از

این راه‌هاست. مثلاً نقاشی از تنه درختان، بیننده را پلافاصله به یاد سهراب سپهری می‌اندازد. اما این امر به تنهایی معادل معنای «سبک هنری خاص» نقاش نیست. استفاده از پالت رنگی خاصی ممکن است با نام یک هنرمند گره خورده باشد. به کار بردن یک کلید واژه تصویری یا نماد تکرارشونده هم می‌تواند یادآور نام خاص صاحب اثر باشد. به فرض اگر مجسمه‌سازی در همه آثارش از یک چاقو استفاده کند یا مثل تکرار کلمه «هیج» در آثار پررینز تانولی، واژه معینی را در اثرش بگنجاند، بلافاصله قابل شناسایی است. اما این استایل، اشاره مستقیم و شیوه کار، به خودی خود، سبک محسوب نمی‌شود. استفاده از ابزار خاص، تکنیک‌های منحص

به فرد، شیوه‌های اختصاصی نمایش و… اگر چه باعث تشخیص اثر هنری و اشتراکات قابل شناسایی باشند، برای اطلاق کلمه «سبک» کافی نیستند. اغلب چنین مشخصاتی، به تنهایی حتی حائز ارزش مستقلی در حوزه هنر محسوب نمی‌شوند. (سیاه قلم، رنگ روغن، طبیعت، پرتره و… منسوب به هیچ سبک هنری خاصی نیستند.) احتمالاً مخاطبین هنر، سبک‌ها را با تظاهرات شکلی و فرمی می‌شناسند. اما تشخیص سبک‌های هنری، بیشتر از ویژگی‌های ظاهری، از شیوه‌های فکری و بازتعریف‌های هنرمندان از مفاهیم اجتماعی، علمی، سیاسی، زیبایی‌شناسی و… نشأت می‌گیرد. یعنی عموماً ویژگی‌های

عکس نوشت



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید



ایا تاکنون با اندیشه‌های فانتزی و وهم‌آلود یک دختر بچه به جهان رؤیاهایش سفر کرده‌اید؟!
فکازی که ما را در دنیای شیرین و خیالی غرق کند تا مرز بین خیال و واقعیت را تشخیص ندهیم؛ همان‌ها که پرسش‌های فلسفی عمیقی از زندگی، مرگ و هستی مطرح می‌کند و ما را در طول داستان به چالش می‌کشد.

عاشق مترسک
فیلیس هستینگز

پیشنهاد

نگاهی به سریال «لالایی» با بازی داریوش فرضیایی

مفرح و جذاب در بستری از تخیل

بخش مهمی از مخاطبان آثار نمایشی از سینما و تلویزیون تا پلتفرم‌های نمایش آنلاین را گروه سنی کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند که همین موضوع سبب شده تا تهیه‌کنندگان توجه ویژه‌ای به این رده سنی نشان دهند. میلیون‌ها تماشاگر به اضافه والدینشان، بازار گسترده‌ای را در سراسر جهان به وجود آورده و همه ساله سود سرشاری نصیب تهیه‌کننده‌ها و کمپانی‌ها می‌کنند. برای مثال تنها کافی است به فهرست پرفروش‌ترین فیلم‌های سال نگاه کرده و سهم آثار متعلق به کودکان و نوجوانان را از آن جدا کنید. اتفاقی که در سینمای ایران نیز در سال‌های گذشته رخ داده و این روزها بار دیگر در حال رونق گرفتن است. پلتفرم‌ها فضای فوق‌العاده‌ای برای جذب مخاطبان کم سن و سال در اختیار دارند و به همین خاطر هم بخشی از محصولات خود اعم از تولیدی و غیرتولیدی را به آنها اختصاص می‌دهند. پلتفرم فیلمو در این زمینه پیشگام بوده و همواره بخشی از فضای خود را به سرگرم کردن مخاطبان کودک و نوجوانش اختصاص داده است. تولید سریال برای این طیف سنی از جمله آنهاست که ریسک مخصوص به خود را دارد، چرا که آثاری اینچنینی فضای یکسره متفاوتی با دیگر سریال‌های تولیدی داشته و راضی کردن سلیق مختلف آن کاری دشوار به حساب می‌آید. سریال «لالایی» به کارگردانی احمد درویشعلی پور که از اواخر تابستان سال جاری از طریق فیلمو به مخاطبان عرضه شده، تازه‌ترین نمونه در این رابطه به حساب می‌آید که توانسته در همین مدت مخاطبان زیادی را به سمت خود بکشاند.

داریوش فرضیایی که به عمو پورنگ شهرت دارد، پشتوانه سال‌ها فعالیت در قاب کوچک تلویزیون را در مقام برنامه‌ساز و مفرز منتقد برنامه‌های مختص کودک داشته و همین امر یکی از دلایل کلیدی موفقیت لالایی به حساب می‌آید. از یک سو شهرت فراوان او و از سوی دیگر اشراف او بر سلیقه این طیف سنی، بخشی از موفقیت لالایی را تضمین کرده است. پس از آن باید به فیلمنامه لالایی اشاره کرد که بخش مهمی از ویژگی‌های اثر کودک و نوجوان را با خود دارد. عنصری به نام تخیل فانتزی که برای مخاطب کم‌سن و سال جذابیت بسیار داشته و موتور محرک سریال به حساب می‌آید. به خصوص در قسمت نخست که برای جذب تماشاگر بسیار مهم بوده و در آن به خوبی از تخیل بهره گرفته شده است.



شخصیت‌های اصلی به خوبی معرفی شده و نقطه عطف هم که چیزی جز تلاش شوهر خواهر سابق گلشن برای تعطیل کردن خانه بچه‌های بی‌سرپرست و تخریب آن نیست. فراموشی گلشن هم یکی دیگر از سوزه‌هایی است که محمد درویشعلی پور در مقام نویسنده فیلمنامه و کارگردان روی آن مانور داده است. از طرف دیگر پاداش حکمت به عنوان قهرمان ورود مناسبی به قصه داشته و در راستای فانتزی حاکم بر آن حرکت می‌کند. او و شاکردش طوفان ویژگی‌های آشنای این ژانر را داشته و به خوبی تماشاگر را با خود همراه می‌کنند. برای نمونه می‌توان به لاکي، اتومبیل هوشمند این دو اشاره کرد که زمینه‌ساز شوخی‌های بانمکی هم در قسمت‌های بعدی می‌شود. در قسمت‌های بعدی، قصه در عرض گسترش پیدا کرده و شخصیت‌های دو قطب مثبت و منفی در تقابل با یکدیگر آن را پیش می‌برند. ضمن اینکه معمای ححل محور دفترچه جادویی شکل گرفته که برای تماشاگر کودک و نوجوان لالایی جذاب به نظر می‌رسد؛ دفترچه‌ای که شخصیت‌های مختلف کار را به سمت خود کشانده و به چالش می‌کشاند. در عین حال فراموشی گلشن و اشتباه گرفتن پاداش با پسرش بهروز، شوخی‌های بامزه‌ای خلق کرده و داستانی‌کی را با محوریت این دو به وجود می‌آورد. سارا دیگر شخصیت لالایی است که نقش مهمی در پیشبرد داستان داشته و در جبهه پاداش حکمت قرار می‌گیرد.

همین طور مرد سیاهیوش مرموزی که از قسمت هشتم پایش به داستان باز شده و جذابیت‌های خاص خود را دارد. نکته مهمی که در لالایی به چشم می‌خورد، استفاده درست و به اندازه از کلیشه‌هاست که آن را از آسیب نفوذ کلیشه‌ها به یادوریود آن مصون نگه داشته است. احمد درویشعلی پور به عنوان کارگردان به خوبی از عناصری همچون طراحی صحنه و لباس و موسیقی در راستای شکل دادن به جهان لالایی بهره گرفته و آن را به کاری باب میل مخاطبان کم سن و سال خود تبدیل کند. بویژه موسیقی که خوب از کار درآمده و به خوبی با فضای حاکم بر داستان جفت و جور شده است. لالایی به عنوان نخستین سریال مختص کودک و نوجوان تولید شده در پلتفرم‌های داخلی، آبرومند از آب درآمده و مخاطبان کودک پروراقرصی دارد.



برداشت گل زعفران در مرزعه‌های روستای کوهستانی وامان آزادشهر به‌عنوان قطب تولید است. زعفران گیاه علفی و چندساله از تیره زیتق سانان است که در صنایع غذایی، شیرینی‌پزی، داروسازی و دیگر صنایع به مصرف می‌رسد. شرکت تعاونی زعفرانکاران وامان حدود هزار نفر عضو دارد. امسال، ۲ فروشگاه عرضه‌مستقیم زعفران در شهرهای گرگان و آزادشهر دایر شده است.

عکس: محمدعلی ایربا